

سیری در تاریکی های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار
جلد ۵

تاریخچه آشنایی ایرانیان با تئاتر و ادبیات نمایشی

یونان باستان

(از آغاز تا پایان عصر قاجار)

و

مجلس الکتر از ته شاخه سوفوکل

ترجمه

حسینقلی میرزا عمادالسلطنه، (سالور)

۱۳۱۸ ه.ق

نیایش پورحسن



کتابخانه ملی ایران

سرشناسه	پورحسین، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ و اشعار یونانی با تئاتر و ادبیات نمایشی یونان باستان (از آغاز تا پایان عصر قاجار) و مجلس الکتر / اشاخالر سوفوکل / ترجمه حسینقلی میرزا عمادالسلطنه؛ نپایش پورحسین.
شناسه افزوده	سالور، حسینقلی، ۱۳۱۱ -
شناسه افزوده	سوفوکلز، ۱۳۱۱ -
شناسه افزوده	Sophocles
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
شابک	978-600-8211-72-3
مشخصات نشر	تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۷۲ ص. ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
فروست	سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران - عصر قاجار: [ج ۵].
شناسه افزوده	سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران - در [ج ۵].
موضوع	سالور، حسینقلی، ۱۲۴۷ - ۱۳۱۱ -- کتاب‌شناسی
موضوع	سالور، حسینقلی، ۱۲۴۷ - ۱۳۱۱.
موضوع	نمایشنامه یونانی (تراژدی) -- تاریخ و نقد
موضوع	Greek drama (Tragedy) -- History and Criticism
موضوع	الکترا (اساطیر یونانی) -- نمایشنامه
موضوع	Electra (Greek mythology) -- Drama
موضوع	نمایش -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ق.
موضوع	Theater -- Iran -- History -- 19th century
موضوع	ادبیات یونانی -- ترجمه شده به فارسی.
موضوع	Greek literature -- Translation into persian
موضوع	ایران -- زندگی فرهنگی -- قرن ۱۳ق.
موضوع	Iran -- Intellectual life -- 19th century
رده‌بندی دیویی	۵۰۹/۲۴۸
رده‌بندی کنگره	PIR۳۸۴۵/س۹ج۴۱۳۹۵
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۸۱۲۹۰



کتاب کوله پستی

تاریخچه آشنایی اب انسان با تئاتر و ادبیات نمایشی یونان باستان

(از آغاز تا پایان عصر قاجار)

مجله نشر آتماشاخانه سوفوکل

ترجمه سینقلی مرزا علی سلطنته (سالور)

بیان بر حسن

شابک: ۹۷۸ ۶۰۰-۸۲۱۱-۷۰۳

نوبت چاپ اول - ۱۳۹۶

ویراستار: مینو ابوالریحی

طراح جلد: احمد شهباز

صفحه‌آرا: آتلیه کوله‌پستی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله‌پستی

تلفن: ۶۶۱۲۳۹۵۸ - ۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: Koolehposhti-pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: ketabekoolehposhti

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

سخنی با خوانندگان.....	۷
دیباچه.....	۱۷
فهرست آثاری که با عنوان «الکتر» (الکترا) یا بر اساس آن در دنیا پدید آمده است.....	۲۱
پیش گفتار.....	۲۷
فصل نخست	
مختصری از نخستین آشنایی ایرانیان با تئاتر و ادبیات نمایشی یونان باستان.....	۳۱
فصل دوم	
زندگی نامه «سینقلا» - رزا عمادالسلطنه سالور.....	۶۵
بخش ۱: جرحه نامه «عمادالسلطنه سالور».....	۶۶
بخش ۲: شرح زندگانی «عمادالسلطنه سالور».....	۷۰
بخش ۳: همسران و فرزندان «عمادالسلطنه سالور».....	۸۵
بخش ۴: فهرست رسالات، سبب و مآلات «عمادالسلطنه سالور».....	۹۹
بخش ۵: آشنایی «عمادالسلطنه سالور» با تاریخ و اساطیر یونان باستان.....	۱۲۳
بخش ۶: نگاهی به ترجمه «عمادالسلطنه سالور» از مجلس تماشاخانه «الکتر».....	۱۳۸
فصل سوم	
نگرشی بر نمایشنامه «الکتر» اثر «سوفوکل».....	۱۴۵
بخش ۱: معرفی و بررسی «الکتر» سروده «سوفوکل».....	۱۴۶
بخش ۲: شخصیت شناسی.....	۱۵۷
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۸۱
مجلس الکتر از تماشاخانه سوفوکل.....	۱۸۹

سخنی با خوانندگان

«سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار» مجموعه‌ای از ستاره‌های تازه‌یاب و ناگفته راجع به جریان‌ات مهم و تأثیرگذار نمایشی، مترجمان، نویسندگان، هنرمندان و آثار نمایشی فراموش‌شده از عصر قاجار است که برای نخستین بار به خوانندگان عزیز تقدیم می‌گردد.

این مجموعه به دور کلی یک کتاب مدون تاریخ نمایش یا تاریخ ادبیات نمایشی ایران نیست، بلکه مجموعه‌ای از هم‌گسسته از تاریخ هنرهای نمایشی کشورمان با تأکید بر دوران ناصرالدین شاه مظفر است که در نوبه خود می‌تواند دوره‌های تاریک و فراموش‌شده‌ای را که تا به سال مفرح نمانده و یا به درستی به بوته شناسایی درنیامده، معرفی و به تواریخ نوشته‌شده قبلی «حلقه‌ها» حلقه‌ها بیفزاید.

اگرچه مقوله تئاتر و نمایش در دوره قاجار به‌ویژه دوره مورد بحث ما دارای ظاهری به اصطلاح روشن است، اما به صراحت باید اعلان کرد که اطلاعات ایرانیان از این دوره به شدت کم‌رنگ و مختصر است و به همین جهت نیز دوره‌های تاریکی، خلأ، نقاط گنگ و مبهم، اشخاص و جریان‌ات فراموش‌شده و در محراب تاریخ دچار پرش و نقصان است. از این رو این دوره نیاز به واکاوی و جستارهای جدید، پژوهش‌های تازه، کشفیات نو و ارائه اسناد و مدارک تازه دارد که این مجموعه درصدد است گوشه‌ای از این دریای بی‌کران را روشن سازد.

راجع به شیوه نگارش و پژوهش این مجموعه پنج جلدی باید گفت که هر مجلد به یکی از جریان‌اتی که در دنیای نمایش عصر قاجار تأثیرگذار واقع شده، می‌پردازد. این جریان‌ات خواه به صورت تأثیرات یک نویسنده همانند «مولیر»، «پیر کورنی» یا «الکساندر دوما» در ادبیات نمایشی ایران است، و خواه به نهضت آشنایی ایران یا تئاتر و ادبیات نمایشی یونان و عثمانی و... اشاره می‌کند. در ضمن در هر مجموعه، یک

نمایشنامه مربوط به هر جریان مورد واکاوی و معرفی قرار می‌گیرد. نمایشنامه‌های ارائه شده نیز تماماً آثاری تازه‌باب هستند که یا تاکنون در ادبیات نمایشی ایران از آن سخن به میان نرفته و یا اگر هم قبلاً ذکری از آن به میان رفته باشد جز اشاراتی گنگ به درستی مورد شناسایی واقع نشده است. از این رو بسیاری از آثار نمایشی این مجموعه نیز برای نخستین بار به جامعه پژوهشی ایران عرضه می‌گردد.

مجلدهایی که در این مجموعه از نظر می‌گذرد، مشتمل بر دو قسم است؛ قسم اول: تاریکی‌های ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار؛ و قسم دوم: تاریکی‌های نمایش‌های شادی‌آور در عصر قاجار.

در باب قسم اول باید اذعان نمود که تأکید اصلی این مجموعه بیشتر حول جریان‌های تاریخی قاجاریه شده از عصر ناصری و مظفری است. این دوره تقریباً از دهه ۱۲۸۰ ه. ق. آغاز شد و تا سال ۱۳۲۴ ه. ق. یعنی تاریخ صدور فرمان مشروطه را در بر می‌گیرد، زیرا در وهله نخست پیوسته تاریخی و طلیعه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران به شیوه فرنگستان مدیون کوشش‌های اوایل دوران عصر است؛ در وهله دوم تا به امروز چنانچه باید، نتوانستیم به سیر تطور منطقه هنرهای نمایشی در این دوره دست یابیم؛ و در وهله سوم این دوره یکی از مضامع حساس و تأثیرگذار تاریخ نمایش و ادبیات نمایشی ایران است که شوربختانه به شدت دست‌خوش گشت و حتی به فراموشی نیز سپرده شده است. چنانچه به‌طور مثال وقتی به معنای تاریک ادبیات نمایشی و تئاتر ایران مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که هر وقت از طلیعه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار سخنی به میان رفته است، تنها یا از یکی دو اسم نظر: «آخوندزاده» و «میرزا آقاخان تبریزی» به عنوان سردمداران آن یاد شده و یا از میان نویسندگان تأثیرگذار خارجی فقط از آثار «مولیر» سخن به میان رفته است. حال آنکه از جریان‌ات، مسائل و اشخاص دیگر که شاید به همان اندازه و در ابعاد مختلف تأثیرگذار بودند، به‌ندرت اشاراتی دیده شود. همچنین همین کم‌توجهی و فقدان پژوهش را می‌توان در وضعیت ادبیات نمایشی و تئاتر ایران از دوران ترویر ناصرالدین‌شاه تا صدور فرمان مشروطه که ۱۱ سال پریهاورا در بر می‌گیرد مشاهده نمود. زیرا پیرامون این دوران حساس که

پیش در آمدی بر شکل گیری نهضت مشروطیت در ایران شد تا به حال پژوهشی در هنرهای نمایشی ایران صورت نگرفته و بدین جهت آن دوران تأثیرگذار به طور کلی یا حذف گردیده و یا از پرداختن دقیق به آن صرف نظر شده است. دلیل آن هم کاملاً موجه است؛ زیرا که قدما ننوشته اند و خوراکی را برای تغذیه رهروان بعد از خود بر جای نگذاشتند.

در حال مجلدهای این مجموعه در ۵ جلد نخست عبارتند از:

۱. شنایی ایرانیان با تئاتر و ادبیات نمایشی عثمانی و کمندی «محمد چلبی» (دهه ۱۲۸۰ ه. ق.)
 ۲. نهضت آشنایی ایرانیان با «پیر کورنی» در عصر قاجار و «حکایت رُذگون، خواهر پادشاه پارس» (بین سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ ه. ق.)
 ۳. نهضت ترجمه آثار «رئیس» در ایران و نواحی خاور میانه در عصر قاجار (از آغاز تا پایان قرن ۱۹ میلادی) و کمندی «سپهرسنیاک» (کتابت در سال ۱۳۱۶ ه. ق.)
 ۴. تاریخچه آشنایی ایرانیان با تئاتر و ادبیات نمایشی یونان باستان (از آغاز تا پایان عصر قاجار) و مجلس الکتر از تماشای خانه «سپوکل» ترجمه «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور» (۱۳۱۸ ه. ق.)
 ۵. نهضت «الکساندر دوما» در ایران در عصر قاجار و «سید» نام «برج نل» ترجمه «عبدالحسین میرزا مؤیدالسلطنه». (۱۳۲۲ ه. ق.)
- مجلدهای بعدی این مجموعه نیز در شرف آماده سازی است. تصمیم گرفتیم از درج نام و عناوین آن‌ها به دلایل مختلف در حال حاضر خودداری نماییم.

اما در باب روش کار این مجموعه نیز شایسته است اشاراتی کنم. نخست آنکه: در این مجموعه تا حد بضاعت سعی شده که از تکرار آنچه قدما نوشته اند پرهیز شود. زیرا طبیعتاً مطالب نوشته شده نیازمند تکرار مکررات نیست. از این رو در صورت لزوم اگر تکراری نیز به چشم می خورد قطعاً نکات تازه ای به آن الحاق شده یا درصدد تکمیل و تصحیح مطالب سابق برآمده ایم.

دوم آنکه: هرگز سعی نکردم که وام‌دار و دنباله‌روی روش و شیوه پژوهشگری خاص باشم. از این رو هر آنچه در این مجموعه ذکر می‌شود، بیشتر سعی کردم که مبتنی بر کوشش‌های شخصی و با تکیه بر اسناد و مدارکی قابل قبول باشد.

سوم آنکه: هرگز سعی نکردم از روش مترجمان امروزی که تحلیل آثار خود را از منابع غربی برداشته و به انتهای کتاب خود ضمیمه می‌کنند، پیروی کنم. از این رو تحلیل آثار نمایشی هر مجلد، خوب یا بد، ضعیف یا قوی حاصل بررسی و جست‌و‌جای نگارنده است.

چهارم آنکه: در این مجموعه سعی کردم مطالبی را ارائه دهم که غالباً برای خوانندگان و پژوهشگران حاوی مطالبی تازه باشد. از این رو به‌سان بیشتر محققان و پژوهشگران فعلی به اکثریت قریب به اتفاق در نهادهای دانشگاهی به کی‌برداری از زحمات چند تر از ما چنگ آویخته، مهر باطل می‌زنم. چرا که امروزه نهادهای دانشگاهی ما غالباً به رابق روی پژوهشی و ارتقاء رتبه دانشگاهی می‌اندیشند، از این رو بیشتر مقالات و کتب آر‌ها یا تکرار کرات مطالب گذشته است، یا اساساً فاقد کیفیت لازم می‌باشد. اثبات این می‌توان امروزه در بیشتر کتب و مقالات امروزی نسل دانشگاهی به‌وفور مشاهده نمود.

پنجم آنکه: در این مجموعه هرگز نخواستیم به‌مانند بسیاری از محققان تحسین‌گر و وام‌دار نوشته‌های «ابوالقاسم جنتی عطایی»، «مایرل انتشار»، «باقر مؤمنی»، «یحیی آرین‌پور»، «جمشید ملک‌پور» و «بهرام بیضایی» باشم زیرا آن‌ها به هر نحو سنگ بنای اولیه را بنیان نهادند، اما تلاش آن‌ها امروزه نیازمند تصحیح، تنقید و تکمیل است. از این رو درصدد برآمدیم که مطالب این کتاب به هیچ نحو از سوی آن‌ها گذشته نشده باشد و یا اگر هم همانند تأثیر «مولیر» در ادبیات نمایشی ایران سخنی رانده شده باشد، در مقدمه آن جلد به‌صراحت اذعان نمودم.

ششم آنکه: در این مجموعه سعی نمودم که برای خوانندگان احترام قائل شوم. نه آن‌ها را با نوشته‌های تکراری فریب دهم و نه به‌اصطلاح ساده‌لوح بپندارم. امری که باز شوربختانه در سیستم دانشگاهی ایران و انتشار بیشتر کتب و مقالات اخیر به‌وفور

مشاهده می‌شود و حتی کسی را نیز یارای مقابله با آن نیست.

هفتم آنکه: تمام تلاش خود را انجام دادم که این مجموعه با حساسیت و وسواس شدید نگارش شود. تا آنجا که بضاعت ناچیز نگارنده اجازه می‌داد، سعی نمودم که از انتخاب نسخ گرفته تا تحلیل آثار، انتخاب منابع و اسناد، مطالبی تازه و دست اول را به گنجینه ادبیات نمایشی ایران عرضه کنم. اما بی‌گمان در این زمینه نقصان‌هایی به چشم خواهد آمد، که پیشاپیش از این بابت از همه خوانندگان عزیز پوزش می‌طلبم.

هشتم آنکه: نگاه این مجموعه نگاهی مبتنی بر اسناد، توصیفی، تحلیلی و با رویکردی تاریخی است.

نهم آنکه: هر مجلد از این مجموعه به‌طور کلی شامل چند بخش عمده است. بخش اول: معرفی و تأثیرات یک جریان خاص نمایشی در کشور ما. این جریانات گاه به صورت تأثیر مستقیم یک فرد همانند «مولیر»، «پیر کورنی» و «الکساندر دوما» در ادبیات نمایشی ایران است. گاه تأثیرات یک فرهنگ و کشور همانند یونان و عثمانی و... در تاریخ هنرهای نمایشی کشورمان است. در بین این افراد بیشترین تمرکز را بر روی «مولیر» بنا نهادم. زیرا تأثیر افکار و آثار «مولیر» بیش از «پیر کورنی» یا «الکساندر دوما» در طلیعهٔ تئاتر و ادبیات نمایشی ایران، عثمانی، روس و ممالک عرب بوده است. از این رو دامنهٔ مطالب مجلد سوم این مجموعه در قیاس با مجلدهای دیگر طیف مطالب بیشتری را در برگرفته است.

بخش دوم: معرفی یک اثر نمایشی تازه‌یاب از دورهٔ ناصری و عصر پهلوی. این آثار یا همانند سه نمایشنامهٔ «ردگون»، «مسو پورسنياک» و «الکتر» نسخه‌های خطی است؛ یا همانند «محمد چلبی» و «برج نل» آثاری چاپ‌شده است.

راجع به آثار خطی در این مجموعه باید گفت که هر کدام از این آثار نسخی منحصر به فردند که همگی فاقد شناسنامهٔ لازم هستند. چنانچه نسخهٔ «ردگون» فاقد سال ترجمه و حتی عدم مشخصات دقیقی از مترجم است. نسخهٔ «مسو پورسنياک» فقط حاوی نام کاتب و تاریخ کتابت است. و تنها «الکتر» حاوی نام دقیق اثر و مترجم و تاریخ ترجمه است. راجع به این آثار باید گفت که در هیچ‌یک از این نسخ، منبع

اصلی ترجمه و زبان ترجمه ذکر نشده است. زیرا در آن زمان چنین کاری اساساً مرسوم نبوده است. اما جالب است که هر سه از زبان فرانسه ترجمه شده‌اند. راجع به دو نسخه «محمد چلبی» و «برج نل» باید اشاره کرد که نسخه «محمد چلبی» اولاً در ایران چاپ نشده است. مترجم و تاریخ دقیق ترجمه آن مشخص نیست و تنها در مقدمه کوتاه سه صفحه‌ای آن به زبان آلمانی، اطلاعاتی مختصر درج شده است. نسخه «برج نل» نیز نسخه‌ای چاپ سنگی است که برای سال‌های طولانی همانند سایر نسخ مزبور در بالا به محاق فراموشی سپرده شده است. زیرا امروزه استثناء پژوهشگری حاضر به داوی در اسناد قاجار جهت شناسایی هویت مترجم و جریانات پیرامون آن اثر است. بخش سوم، شناسایی و معرفی این نسخه‌ها، مترجمان، کاتبان، زمان انتشار، مسائل مربوط به انتشار آن، جمله مواردی است که در این بخش به تفصیل شرح داده می‌شود. در این بخش طاوت‌فرسا، خسته‌کننده تاریخچه هر اثر تقریباً مشخص شد. این تاریخچه گاه همانند قطعه نمایش «محمد چلبی» سرنوشتی پرفراز و نشیب داشته است، گاه نیز همانند «برج نل» همان ابتدا مشخص بود. در این بخش تنها نام سه مترجم مشخص شد و مترجم دوم، نمایش «محمد چلبی» و «مسیو پورسنیاک» همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی ماند. راجع به ترجمه کمدی «مسیو پورسنیاک» اگرچه نتوانستیم نام مترجم را شناسایی کنیم اما می‌توانیم که کاتب آن را تا حد بضاعت معرفی کنیم. شاید در آینده بتوان در اسناد «برج نل» کاتب نسخه و مترجم ارتباطی پیدا نمود. نام دو مترجم نسخ دیگر یعنی «عبدالمسیو میرزا مؤیدالسلطنه» و «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه» از همان ابتدا بر روی نسخه‌های مورد منارج بود، از این رو خوشبختانه نیازی به پیگیری نداشت. اما نام یکی از مترجمان پس از پیگیری‌های بسیار به دست آمد که از این نظر مفتخریم که شخصیتی گمنام را برای نخستین بار به تاریخ پیدایی ادبیات نمایشی ایران معرفی می‌کنیم. همچنین در این بخش به تفصیل راجع به مترجمان، شرح احوال آن‌ها و مسائل دیگر به تفصیل سخن رانديم. در این زمینه نیز باید اذعان نمود که به‌جز «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور» که سابقاً چند صفحه‌ای از سوی قدما راجع به وی نوشته شده است، از سایر

مترجمان آثار نمایشی همانند «مرتضی مترجم» و «مؤیدالسلطنه» مطالب چندانی در هیچ یک از تذکرها و کتب قاجاری وجود نداشت.

همچنین گفتنی است در این بخش به جریانات دیگری نیز اشاره شده است. این جریانات گاه همانند جلد سوم به تطبیق اقتباس‌های «مسیو پورسنيک» در ادبیات نمایشی ایران پرداخته است و گاه نیز همانند جلد نخست به تأثیرات بینا فرهنگی «محمّد چلبی» در ادبیات شرق و غرب اشاره دارد.

بخش چهارم در هر مجلد سعی بر این شد که هر اثر نمایشی به تفصیل تحلیل گردد. راجع به این بحث باید گفت که به جز نمایشنامه «الکتر» از بقیه آثار تاکنون هیچ تحلیل جامعی در کتب نمایشی ایران عرضه نشده است. از این رو سعی نمودیم که تحلیل نمایش‌های ایران را با تکیه بر منابع ایرانی، خارجی و تا آنجا که در حد بضاعت بود ارائه دهیم.

بخش پنجم، متون نمایشی غالباً پس از استنساخ و تصحیح مورد حواشی نویسی قرار گرفتند و توضیحات مربوطه نیز در پانویس در صفحه درج گردید. راجع به نحوه تصحیح متون باید گفت که هر متن پس از استنساخ، مورد بازبینی قرار گرفت. برخی از واژگان به تعبیر امروزی مصطلح نبود و نیازمند تصحیحات بود. برخی از ترجمه‌ها حاوی واژگان فرانسوی، عربی و ترکی بودند که معنای آن‌ها را استخراج و در پانویس عرضه شد. برخی از واژگان عبارت بودند از اسامی شهرها، اشخاص، اساطیر و اصطلاحات خاص، که هر کدام نیز به طور معمول در پانویس شرح داده شد. برخی از متون در قسمت‌هایی ناخوانا و در قسمت‌هایی غیرگویا بودند. توضیحات نیز مباحث را نیز به طور کلی شرح دادیم. برخی از نسخه‌ها همانند «محمد چلبی» نیازمند مقابله با آثار اصلی آن‌ها یعنی ترکی و فرانسوی و عربی بود. برخی از متون همانند «مسیو پورسنيک» و «ردگون» و «الکتر» با برخی از نسخ فرانسوی و حتی انگلیسی مربوط به دوران حیات مترجم تطبیق داده شد و شرح آن نیز در پانویس قید گردید. ناگفته نماند که تمامی متون نمایشی ترجمه‌شده در عصر قاجار فاقد ذکر مراجع کتب اصلی خود هستند. از این رو شناسایی کتب اصلی تا حد زیادی امکان‌ناپذیر است؛ بدین جهت

برخی از متون این مجموعه همانند «کمندی مسیو پورسنیاک» علی‌رغم ترجمه‌های مطلوب، دارای نواقص فنی زیادی بود که حداقلاً مکان در تصحیح متن برطرف گردید.

راجع به منابع و مآخذ این مجموعه باید اذعان نمود که در این مجموعه از چند قسم منابع استفاده نموده‌ام. منابع چاپی (کتب و مقالات)، نشریات قدیمی، منابع چاپ سنگی، منابع خطی، اسناد، و منابع خارجی (ترکی، عربی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی). هرگز سعی نکردم در استفاده و شناسایی و استناد به منابع، همانند بسیاری از مدرسان دانشگاه و دانشجویان این رشته تنها سه چهار کتاب را پیش روی خود گذاشته باشم؛ رسوم فلانی این را گفت یا فلانی آن را گفت، کتابسازی کنم؛ امری که پس از مدت‌ها در کتاب «بکتاش» و کتاب «نمایش در ایران» (نوشته بهرام بیضایی) و «ادبیات نمایشی در ایران» (نوشته جمشید ملک‌پور) به‌وفور در بین سارقان‌شان رایج شد.

این پژوهش ماحصل چند ساله تلاش و زحمات ناچیز نگارنده در جهت شفاف‌سازی گذشته تاریک نمایش و ادبیات نمایشی کشورمان است. در این وادی به دفعات مستأصل و سرخورده شدم. چند بار طاعت و روضه را به لقای آن بخشیدم. با دلسردی و یأس مواجه شدم. اما با این حال از نوشتن دریغ نکردم؛ اما هر بار مأیوس‌تر و دلسردتر از دفعه قبل نگارش این مجموعه را ادامه دادم. کسی آه‌نی نیز که در این راه پوشیده بودم امروزه به‌شدت پوشیده شده است. به برخی از کتابخانه‌ها و مراکز اسناد آلرژی شدید پیدا کردم. رفتارهای برخی از کتابدارها و مسئولان به‌شدت رقت‌انگیز است. گویی ارث آباء و اجدادی خود را می‌خواهند در اختیار محققان قرار دهند. خیلی جالب است که هیچ مرکز پاسخگو و حامی پژوهشگران هم اساساً وجود ندارد. از این رو به‌سان بسیاری از پژوهشگران مهجور این مرز و بوم از هیچ‌گونه حمایت اقتصادی و معنوی دولتی و شخصی برخوردار نبودم. حتی برخی از مراکز اسناد و مسئولان و کتابخانه‌ها و موزه‌ها جز اتلاف وقت و سیستم بوروکراسی اداری و

در نهایت پاسخ منفی با کلی اعصاب خردی از هرگونه مساعدت و همکاری مثبتی نیز با نگارنده امتناع نمودند. از همه بدتر در این بین به وفور با مستولان، دلالان و اساتید دانشگاه‌هایی مواجه شدم که راه همفکری و همکاری را صرفاً در گرو سؤاستفاده پژوهشی در جهت ارتقاء پست و درجه خود می‌دیدند. همین جا به صراحت اعلام می‌کنم که یکی از سوءاستفاده‌های صورت گرفته از سوزده‌های پژوهشی نگارنده، پژوهش ده ساله‌ای تحت عنوان «میرزا علی اکبر خان مزین الدوله نقاشباشی» است که یکی از پژوهشگر نما با کمال وقاحت آن موضوع را توأم با برخی از مدارک بنده مورد دستبرد قرار داده است.

خب طبعاً است که با این وضعیت، تاکنون به بسیاری از اسناد و مدارکی که نیازمند آن بوده‌ام، دسترسی پیدا نکرده‌ام، امید است که در آینده با دسترسی به آن اسناد و مدارک، ویرایش جدیدی از این آثار را به خوانندگان ارائه دهم.

به هر حال با وجود این مشکلات، تلاش خود را انجام دادم که حداقل برخی از این جریانات و آثار را از محاق فراموشی نجات دهم و برای آیندگان به ثبت برسانم.

در همه کشورهای متمدن دنیا نه تنها پیشینه نمایش، بلکه در دفعات نیز آن اطلاعات را منتشر و با ویرایش و نظارت به جهانیان عرضه می‌کنند. شوربختانه در این زمینه جامعه تئاتری ما به شدت فقر عینی عمل نموده است. بی‌گمان در این مسیر باز هم نسل دانشگاهی ایران بیش از همه مضر بوده و هست. زیرا در وهله نخست توجه بی‌چون و چرای جوامع دانشگاهی به تئاتر و مکاتب نظری و فلسفی غرب مسبب شده که بسیاری از این اساتید و اشخاص پیشینه نمایش و ادبیات نمایشی خودمان را به دید تحقیر بنگرند و به همین جهت فضای پژوهش در حوزه تئاتر و هنرهای نمایشی ایران را تا حد زیادی کم‌اهمیت جلوه دهند. در وهله دوم به جرأت می‌توان گفت بسیاری از اساتیدی که در این زمینه تدریس می‌کنند غالباً خود آشنایی لازم را با مقوله تئاتر و هنرهای نمایشی ایران ندارند، چه برسد به اینکه بخواهند نسلی را تربیت کنند. مدعای این گفتار کتب، مقالات، پایان‌نامه‌های بسیاری از اساتید

و دانشجویان است که از اساتید خود صرفاً روش‌های بزن و برورا اعمال می‌کنند. در وهله سوم کیفیت تحقیقات نسل دانشگاهی امروز خود نیازمند نقادی است. اینکه غالب اساتید جهت ارتقاء درجه و رتبه دانشگاهی با رسم الخط مختلف به کپی‌برداری و سرقت ادبی و چیزنویسی بپردازند، اینکه پژوهش و جامعه پژوهشی نشد. مضاف بر این موارد سیاستگذاری بسیاری از جوامع نشر نیز خدمت شایانی به کاهش کیفیت آثار پژوهشی داخلی نموده است. زیرا بسیاری از ناشران در بیشتر موارد آثار ضعیف و بی‌کیفیت برخی از پژوهشگران به اصطلاح برند و همچنین ترجمه‌های کامپیوتری بسیاری از مترجمان را به برخی از پژوهش‌های بنیادی هنرهای نمایشی خودمان ارجحیت داده و منت نهادن و زایل ساختن کوشش‌های مؤلف تنها به منافع اقتصادی خود می‌انگیزند.

حال با این اوصاف، طبیعتاً تبعات این موارد باعث شده که نه تنها حیطه هنرهای نمایشی ایرانی مهجور و ضعیف و غالباً تکراری باشد، بلکه هر آنچه نیز سابقاً هرچند به ناصواب و اشتباه گفته شده، به دور از حافظه تاریخی به دفعات ثبت و ضبط شود.

حال مجله‌هایی که تحت عنوان: «سیری در ریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار» از نظر می‌گذرد، به ریم بستری جهت تجدید نظر در پژوهش‌های سابق هنرهای نمایشی کشورمان، اطلاع‌گستر که اساس برخی از قدم‌ها، رفع نواقص برخی از کتب راجع به ادبیات نمایشی قاجار از جمله متر شفاف‌سازی بخشی از تاریخ نمایش این مرز و بوم است که متأسفانه پس از گذشت سال‌ها بر یک‌صد سال همچنان در محاق فراموشی است.

و در آخر اینکه هیچ کوششی اولین و آخرین نیست، لذا امید است که این مجموعه به تدریج زیربنای تحقیقات بنیادی و پژوهش‌های کامل‌تری را به دور از کپی‌برداری و سرقت برای آیندگان فراهم سازد.